

به بهانه روز معلولان جسمی حرکتی، پای حرف‌های ۴ توان‌یاب موفق

# با بال شکسته پر کشیدن هنر ماست

مناسبت روز

مهین رمضانی

اگر چه سلامت جسمی یکی از نعمت‌های خدا دادی است که همیشه و همه جا باید شکرش را به جا آورد، اما افراد زیادی هستند که از این نعمت محروم‌اند. منتها این محرومیت را فرصتی پیش‌روی خود می‌بینند تا با پشتکار و شکوفایی دیگر استعدادها و توانایی‌هایشان، به شیوه خود، موفق باشند. این افراد به خوبی شرایط خود، خانواده و جامعه را پذیرفته‌اند و واقع‌بینانه در پی راه‌حلی هستند تا نه تنها مشکلات شخصی بلکه مشکلات افراد شبیه خودشان را هم برطرف کنند. دبروز، آخرین روز هفته بهزبستی بود که «روز معلولان جسمی حرکتی» نام گرفته است. به همین بهانه، پای حرف‌های چند توان‌یاب نشستیم تا درباره تجربه و حال و هوا و حقوق شهروندی معمولاً رعایت نشده‌شان کپ بزنیم.



## مرضیه: شرایط سخت بله ترحم و نگرانی نه!

«مرضیه رسولی» فرزند کوچک خانواده پرجمعیتی است که ناراحتی مفصلی در میان‌شان ارثی است و مرضیه را هم مبتلا و گرفتار کرده است. او اول دبستان متوجه بیماری‌اش شده بود. وقتی از مشکلاتش می‌پرسم، می‌گوید: «آلان با معلولیتم بیشتر کنارآمده‌ام اما بزرگ‌ترین مشکل‌م ترحمی بود که دیگران نسبت به من داشتند. به عنوان مثال کلاس درس ما طبقه دوم‌سه بود و به دلیل وضعیت من کلاس را به طبقه پایین منتقل می‌کردند و همه مدرسه خبردار می‌شدند که به دلیل معلولیت من کلاس عوض شده است، درحالی‌که من راضی بودم به سختی به طبقه بالا رفت و آمد کنم اما نگاه ترحم‌آمیز دیگران را تحمل نکنم.» معلولیت مرضیه با افزایش سن بیشتر می‌شود به طوری که مفصل‌ها کارایی کمتری پیدا می‌کند و استخوان‌ها در مفاصل به راحتی و بدون کنترل می‌چرخد و احتمال افتادن وی بیشتر می‌شود. مرضیه ادامه می‌دهد: «من در رشته مشاوره روان‌شناسی تحصیل کرده‌ام اما هنوز کاری پیدا نکرده‌ام و برای ادامه تحصیل هم باید هزینه زیادی پرداخت کنم، اما نمی‌خواهم هزینه بیشتری به خانواده تحمیل کنم. از طرفی با این که خانواده و به ویژه مادر من نقش زیادی در موفقیت من داشته‌اند اما نگرانی‌هایشان برای من زیاد است، به طوری که من در مسابقات شنا شرکت کردم و مقام هم‌آورد‌ام اما به دلیل وابستگی زیاد خانواده و به ویژه مادر من از شرکت در مراحل بعدی مسابقات انصراف دادم. نکته‌ای که می‌خواهم به خانواده معلولان بگویم این است که دوست داشتن بیش از حد و مراقبت و نگرانی زیاد، گاهی به ضرر فرد معلول است. معلولان مشکلات زیادی دارند: تحصیل، اشتغال، رفت و آمد در کوچه خیابان و... کاش با نگرانی‌های افرادی در خانواده، بیش از پیش آزارشان ندهیم و ناراحتشان نکنیم.»



## رضا: از کسی توقعی ندارم تکیه‌ام به اراده و تلاش خودم است

رضا رحیم زاده ۳۲ سال سن دارد. مدرک کارشناسی حقوق گرفته و رایانه را هم تافوق دیپلم خوانده است. او که به واسطه نقص‌های مادرزادی ویلچر نشین است، می‌گوید: «حدود ۱۰ سال است که ورزش می‌کنم. قبلاً تنیس روی میز کار می‌کردم و الان ورزش بوچیا. یک بازی شبیه بیلیارد که ۱۳ توپ دارد؛ یک توپ سفید که هر جاز دیک توپ‌های آبی یا قرمز پرتاب شود امتیاز می‌آورد. پنج سال است که مدرک مربی‌گری درجه ۳ رشته بوچیا را دارم و گاهی رکورد من توسط شاگردانم شکسته شده است و امسال هم تیم ما قهرمانی کشور را کسب کرد. یک سال عضو شورای فرهنگی محل بودم. با فرهنگ سرای انتظار همکاری دارم و به عنوان توان‌یاب نمونه با فعالیت‌های متنوع و حضور فعال در جامعه از طرف امام جمعه تقدیر شدم.» از او می‌خواهم از انتظاراتش از مسئولان در قبال معلولان بگوید. جواب می‌دهد: «وقتی من حرفی بزنم که مسئولان به آن توجه نداشته باشند در واقع خودم را کوچک کرده‌ام. اما اگر به توانایی‌های خودم متکی باشم و فراتر از توانایی خودم کار انجام دهم، شاید مسئولان به خود بیایند. همیشه باید جوری زندگی کرد که شرم‌نده نبود. خداوند به انسان‌ها سه نعمت سلامت، ایمان و تفکر داده است که ما معلولان را به مصلحت خودش از سلامتی محروم کرده. در عوض قدرت فکر و ایمان داده که باید از آن‌ها به بهترین نحو استفاده کنیم. من باید از خدا تشکر کنم و بعد حمایت خانواده و پشتکار خودم را یاد بیاورم. ما باید با موفقیت، ذهنیت جامعه را نسبت به معلولان عوض کنیم. مردم اولین حرفی که در برخورد با معلول به زبان می‌آورند این است که خدا شفا بدهد. این نگاه خوب نیست، باید معلول را به دلیل توانایی‌هایش تشویق کرد و از روی ظاهر قضاوت نکرد.»



## رئیس هیئت مدیره جامعه معلولان: ما هم حق زندگی راحت داریم

است. مهم‌ترین موضوع این است که

همه جور قانونی در مورد معلولان وجود دارد اما برای معلول، حقوقی در نظر گرفته نشده و متأسفانه معلول خانه نشین شده است. از طرفی معلولی که حداقل حقوق را می‌گیرد، دیگر تلاشی برای کار نمی‌کند و این پازل با ارائه یارانه به مراکز نگهداری معلولان تکمیل می‌شود و در نتیجه، معلولان به سمت زندگی در مراکز بهزیستی سوق داده می‌شوند. «از او درباره دیگر مشکلاتش می‌پرسم. می‌گوید: «من به عنوان یک فرد معلول نسبت به یک فرد معمولی برای هر



## بهر روز: کاش فضاهای ورزشی مناسب توان‌یابان بیشتر شود

چون کم‌سن و سال و با اخلاق تیم‌بوچیای معلولان و شاگردان رضا رحیم زاده، از اسپاسم و گرفتگی شدید عضلات رنج می‌برد. اولین جمله بهروز این است که: من یک جنتلمن واقعی‌ام. و ادامه می‌دهد: ما معلولان، خودمان کم‌کاری کرده‌ایم که دیگران توانایی‌هایمان را نمی‌شناسند. و ادامه می‌دهد: «من ۲۲ سال دارم در رشته‌ای‌تی تا مقطع فوق دیپلم تحصیل کرده‌ام. باتیمم پار سال در مسابقات پار آسیایی امارات مقام آوردیم. قهرمانی کشور جدیدترین مقام تیم من است. موفقیت، چیزی است که به دست می‌آید اما لازمه‌اش این است که مشکلات را از پیش برداشت. اگر بخواهم از مشکلات خودم بگویم، این که باشگاه من در بلوار صیاد شیرازی مشهود است و محل زندگی‌ام مهرآباد مشهد، یعنی باید با ویلچر از جنوب به شمال شهر رفت و آمد کنم. این رفت و آمد ساده در شهر، برای من بسیار مشکل است. برای سوار شدن به اتوبوس باید از روی ویلچر بلند شوم، آن را بالا بدهم و بعد سوار شوم. خیلی وقت‌ها سه اتوبوس رده شده و من هنوز گیر سوار شدنم و به همین دلیل همیشه دیر می‌رسم. در حالی که راننده اگر برای فرد عادی یک دقیقه می‌ایستد، برای فرد معلول باید پنج دقیقه توقف کند. به صورت حرفه‌ای ورزش بوچیا را دنبال می‌کنم اما برای مسابقات امارات باید خودم هزینه می‌کردم چون فدراسیون حاضر نبود هزینه کند و اسپاسم هم نداشتم.» بهروز ادامه می‌دهد: «من صبح بوچیا بازی می‌کنم و شب‌ها بدنسازی و بوکس. معتقدم برای افراد معلول باید فضاهای بدنسازی و ورزشی که از پیشرفت معلولیت‌شان جلوگیری می‌کند، گسترش یابد. خود من از زمانی که حرفه‌ای ورزش می‌کنم خیلی کمتر دچار اسپاسم می‌شوم. گلايه ديگرم هم اين كه به ما معلول نگویند؛ کلمه «توان‌یاب» هم زیباتر است و هم فارسی.»



ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

دوشنبه

۹ ذی القعدة ۱۴۲۹

شماره ۱۹۸۷۲

۱۰۹۵



به بهانه بازار داغ انتقال ملی پوشان ایران به لیگ‌های سطح پایین خارجی

## لژیونر شدن‌های آبکی!

مر نضی اخوان

چند سالی می‌شود که خط‌هویی پرواز به‌سوی خوشبختی برای ستاره‌های فوتبال ایران بار دیگر گشوده شده و بازیکنان ایرانی زیادی به لیگ‌های خارج از کشور فته‌اند و اصطلاحاً لژیونر شده‌اند. بازیکنانی که اگر چه تعدادشان بالا رفته اما بی‌تردید از کیفیت فنی و کیفیت انتقال‌شان به یک لیگ معتبر اروپایی کاسته شده است. دیگر نه خبر از دایی و مهدوی کیا و کریمی است و نه خبر از لیگ‌های آلمان و ایتالیا و انگلستان. حالا صحبت بازیکنانی است که با پیشرفت حداقلی، خیلی سریع ترانسفر می‌شوند و اگر اسپر پول عربی نشوند و سر از لیگ‌های قطر و امارات در نیارند، در خوش‌بینانه‌ترین حالت به ضیافت بازی در لیگ‌های درجه دو اروپایی مثل یونان، بلژیک، روسیه و حتی هلند می‌روند. در این مینی پرونده بنا داریم از منظر اجتماعی به مرور دلایل اشتیاق فوتبالیست‌های ایرانی برای تبدیل شدن به لژیونرهای آبکی و در چه دو پیر دازیم.

### • زحمتی که نمی‌کشند و پولی که نمی‌گیرند!

«پول» بیهوده‌دشر ایط اقتصادی، یکی از مهم‌ترین مولفه‌های تاثیر گذار در تصمیم فوتبالیست‌های ایرانی برای ترانسفر شدن و رفتن به لیگ‌های خارج از ایران است. پولی که هم «خیریت» می‌آورد و هم پشت کردن به پیراهن تیم محبوب! اما بهر استی اگر بازیکنان ایرانی پول بیشتری از تیم‌های لیگ داخلی بگیرند باز هم به کوچ‌نچندان آبرو مندانه به لیگ‌های کشورهای حوزه خلیج فارس فکر می‌کنند؟ پاسخ منفی است. به خیریت موجود در لژیونر شدن بازیکنانی که به کشورهای عربی حوزه خلیج فارس رفتند، نگاه کنید. به خیریت ترانسفر طارمی به العرافه، ماجراجویی پورعلی گنجی در السد، فرار پولادی نه تنها از فوتبال ایران، بلکه از کشور. به تکران به مقصد دوحه توسط امیدآبی‌ها، آن‌هم بعد از آن نمایش دل‌انگیز در جام جهانی فوتبال. همه این بازیکنان قطعاً برای پیشرفت فوتبالی به لیگ‌های عربی نرفتند. آن‌ها انگیزه‌های مالی بزرگی داشتند که به خاطرش به خود حق دادند تیم‌های محبوب‌شان را ترک کنند. معوقات میلیاردری این بازیکنان که تا ز باید برای همان معوقه باشگاه به ادار مالیات‌ها مالیات بدهند، دلیل قابل توجیهی است تا قید حضور در تیم محبوب‌شان را بزنند و پای هر خیریتی بایستند. از سوی دیگر این حقیقت هم بر کسی پوشیده نیست که بازیکنان ایرانی به سبب ویژگی‌های ذاتی فوتبال در لیگ کشور مان‌با چالش‌های بزرگ‌تر سازنی و مدیریتی، عموماً فاقد مولفه‌ای حمت کش» بودن هستند و تر جیح می‌دهند جایی فوتبال بازی کنند که پول بیشتری بگیرند ولی زحمت کمتری بکشند.

### • بیشتر وقت‌ها پای یک مدیر بر نامه (شما بخوانید دلال) در میان است

این که همه مدیر بر نامه دلال هستند، از آن دست ادعاهایی است که بار حقوقی دار دامامی توان باور دین یک «برخی» از زیر بار سنگین همه گیر بودن این ادعا خارج شد. برخی از نامدیر بر نامه‌ها (۱) که بعضی آن‌ها «دلال» می‌نامند، نقش به‌سزایی در ترانسفرهای آبکی ستاره‌های فوتبال ایران دارند. آن‌ها به عنوان مشاورانی اناهل، بازیکنان بی تجربه را به مقصد نابودی رهنمون می‌سازند. ستاره‌هایی چون مهر دادپولادی که شاید اسیر چنین کسانی شد و راه خروج از کشور و لیگ‌های عربی و بعد از آن تایلند را در پیش گرفت. پولادی که روزی می‌توانست ستاره لیگ برتر انگلستان باشد، حالا اسپر پول و البته مدیر بر نامه‌هایی اناهل، در نا کجا آباد است. جالب این که در چرخه معیوب فوتبال کشور مان و در دادوستد این مدیر بر نامه‌ها و انتقال ستاره‌ها، باشگاه‌ها هیچ سودی نمی‌برند.

### • لژیونرها، نمایندگان فرهنگی کشور مان در آن سوی مرز

حال همین لژیونرها قار است در باشگاه‌های اروپایی هم نماینده فرهنگی کشور مان باشند. بازیکنانی که جز در موارد معدودی چون علیرضا جهانبخش، کاوه رضایی و... عمدتاً تحت تاثیر فضای آن سوی آب‌ها قار گرفته و گاه رفتارهای نامتعارف حاشیه‌سازی می‌شوند و فصل فوتبال را خود را خیلی زود به پایان می‌رسانند.

### • دلایل پشت پرده لژیونر شدن زود هنگام

اگر چه سرعت گرفتن روند لژیونر شدن ستاره‌های لیگ کشور مان امری مثبت و مقبول است اما گاهی اوقات پشت پرده این اتفاق و توجه به این مسئله که لژیونر شدن زود هنگام و خارج از عرف حرفه‌ای می‌تواند آسیب‌زا باشد، حقایق بزرگی را آشکار می‌کند. به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، فشارهای سرمربی تیم ملی فوتبال و سیاست‌های تیم ملی مبنی بر لژیونر شدن بازیکنان برای آموختن حرفه‌ای بیشتر و سپس دعوت به تیم ملی، انگیزه و عامل پشت پرده این انتقال‌های زود هنگام است. مثلاً علیرضا حقیقی قبل از جام جهانی ۲۰۱۴ به یکبار مسر از لیگ دسته چندم رتغال در آرد تا برای جام جهانی برزیل آماده شود. انتقالی که اگر چه در کوتاه مدت خواسته‌های سرمربی تیم ملی را برای پُر کردن دروازه پاسخ داد، اما در بلند مدت به نابودی این دروازه بان انجامید.

### • خدا حافظی باوقار؛ مسئله این است

اما یکی از دلایلی که لژیونر شدن ستاره‌های ایرانی را کمی به کام هواداران تیم‌های داخلی تلخ کرده است، نحوه جدا شدن آن‌ها است. رفتارهای غیر حرفه‌ای که هواداران رادل از رده می‌کنند. وقتی و حیدامیری به ترابوزان اسپورت کیه‌ر فت، هواداران پر سولیس به او خسته‌نباشید گفتند. این در حالی است که طارمی به شکلی از تیمش جدا شد که تا مدت‌ها در فضای مجازی مورد عنایت الفاظ زشت کاربران قرار می‌گرفت؛ نوع رفتار و شیوه جدا شدن از تیم داخلی برای لژیونر شدن، یکی از مهم‌ترین مولفه‌های تبدیل یک ستاره داخلی به یک لژیونر موفق است.

عکس‌ها: صادق ذباح